

حمایت از اطفال در مخاصمات مسلحانه در حقوق ایران، افغانستان و اسناد بین‌المللی

سید محمد موسوی^۱

چکیده

جنگ‌ها و آثار شوم آن‌ها بیشترین و عمیق‌ترین تأثیرات خود را بر اطفال تحمیل می‌کنند. اطفالی که نه در برپایی جنگ‌ها و نه در وضع قوانین و نه حتی در مطالبه اجرای قوانینی که آن‌ها را معاف از جنگ و جنگیدن می‌کند دخالتی دارند. بنابراین از آنجا که بیشترین سهم صدمات ناشی از مخاصمات مسلحانه، متوجه این دسته از غیر نظامیان می‌شود، به همین جهت سازمان‌ها و نهادهای بشر دوستانه و دولت‌ها را به اندیشه حمایت از این قشر آسیب‌پذیر واداشته است، چرا که حقوق طفل به مثابه زیر مجموعه‌ای از حقوق بشر بین‌المللی در نظام حقوق بین‌المللی به شمار می‌رود که حمایت‌های ویژه‌ای نیز در جامعه بین‌المللی از آن می‌شود. از این رو، جامعه بین‌المللی این واقعیت را پذیرفته است که اطفال به منزله قشر آسیب‌پذیر اجتماعی در معرض آسیب‌های جسمی و روحی خاص قرار دارند، بنابراین برای مقابله با آن، اسناد ویژه‌ای نیز تاکنون به تصویب رسیده است. در این تحقیق سعی شده است به طور خلاصه به بررسی حقوق اطفال از منظر حقوق ایران، افغانستان و معاهدات بین‌المللی پرداخته شود.

کلید واژه‌ها: حقوق کودک، مخاصمات مسلحانه، کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق کودک، حمایت.

۱. دانش‌پژوه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه مشهد مقدس.

مقدمه

با وجود مخاصمات مسلحانه متعدد در کشورهای اسلامی بیش از سایر مناطق جهان، که امروزه جریان دارد، توجه بیشتر به حمایت از اطفال درگیر در مخاصمات مسلحانه ضروری است. در این تحقیق حمایت از اطفال درگیر در منازعات مسلحانه در حقوق ایران، افغانستان و اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

«مخاصمه» در لغت به معنای خصومت و پیکار و عداوت می‌باشد و جمع آن مخاصمات است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۲۰۴۶۹)

با توجه به اینکه دامنه تعریف و تفسیر از «مخاصمات مسلحانه» در حقوق بین‌الملل گسترده است، از این رو وارد جزئیات این مسئله نمی‌شویم و فقط به تعریف کلی و محدود بسنده می‌شود. به هر شخص زیر ۱۸ سال که توسط نیروها و گروه‌های مسلح در هر ظرفیتی، اعم از پسر و دختر به عنوان رزمنده، آشپز، باربر، پیغام‌بر، جاسوس و یا اهداف جنسی به کار گرفته می‌شوند، اطلاق می‌گردد. این مفهوم گسترده است و تنها به درگیری مستقیم اطفال در مخاصمه محدود نمی‌شود. (مصفا و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۶)

به عبارت دیگر، مخاصمات مسلحانه، مخاصماتی هستند که در آن‌ها طرفین درگیر، به قوای مسلح متوسل می‌شوند. بنابراین هر مخاصمه مسلحانه‌ای دو عنصر اساسی دارد؛ عنصر نخست، طرفین مخاصمه هستند که بایستی ماهیت آن‌ها معلوم و مشخص باشد و عبارت‌اند از دولت‌ها و گروه‌های مسلح سازمان یافته، یا اینکه یکی از طرفین دولت و طرف مقابل گروه‌های مسلح مخالف دولت باشند. دو وضعیت اخیر معمولاً در قلمرو داخلی دولت اتفاق می‌افتد. دومین عنصر مخاصمات مسلحانه، توسل به قوای مسلح می‌باشد. عملیات نظامی به وسیله قوای مسلح طرفین درگیر صورت می‌گیرد که نتیجه آن لطمه‌زدن به دشمن است.

میثاق حقوق کودک در اسلام که در ژوئن ۲۰۰۵ میلادی در صنعا پایتخت یمن به تصویب رسید در بند ۵ ماده ۱۷ چنین بیان می‌دارد:

حفاظت از کودکان به واسطه عدم درگیر نمودن آن‌ها در منازعات مسلحانه یا جنگ‌ها.

به نظر می‌رسد با توجه به وجود مخاصمات مسلحانه در بسیاری از کشورهای اسلامی و آثار آن‌ها بر کودکان، میثاق باید حمایت از کودکان در برابر تعرضات مسلحانه را به طور وسیع مدنظر قرار می‌داد.

۱. حمایت از اطفال در مخاصمات مسلحانه در حقوق ایران

با توجه به اینکه حقوق ایران برگرفته از حقوق اسلام است، در این گفتار حمایت اسلام از اطفال درگیر در منازعات مسلحانه مورد بحث قرار می‌گیرد، نکته قابل ذکر اینکه بحث ما درباره اطفال است. حمایت از اطفال در مخاصمات مسلحانه امر اجتناب‌ناپذیر و از جمله قواعد امره دستورات جهادی اسلام محسوب می‌شود. لذا شارع مقدس درباره حمایت از اطفال در مخاصمات مسلحانه موضوعیت خاصی قائل شده و جز در موارد ضرورت نظامی که در واقع آخرین راهکار محسوب می‌شود، آنان را مصون از تعرض دانسته است.

با این حال بین کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی در رابطه با جنگ و حمایت از اشخاص با احکام و قوانین اسلامی تفاوتی فاحشی وجود دارد، چرا که با توجه به محتوای مواد کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی، حمایت خاص از اطفال و زنان و سایر اشخاص زمانی محقق می‌شود که نیروی مهاجم بر منطقه و اوضاع منازعات کاملاً مسلط شده باشد. روشن است این امر زمانی اتفاق می‌افتد که جنگ فروکش کرده باشد، درحالی‌که قوانین اسلامی نشان می‌دهد که حتی در اوج درگیری‌ها مخاصمات مسلحانه صیانت از حق حیات و کرامت انسانی اطفال الزام‌آور و از جمله قواعد امره حقوق بشر دوستانه اسلام محسوب می‌شود. (همان: ۷۶) در ادامه چند مستند قرآنی و روایی را ذکر می‌کنیم.

أ) مستند قرآنی

خداوند متعال در آیه ۱۹۰ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: ﴿قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾. (بقره: ۱۹۰)

و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.

از این آیه استفاده می‌شود که هرگز غیرنظامیان (مخصوصاً اطفال) نباید مورد تهاجم واقع شوند، زیرا آن‌ها به مقاتله برخاسته‌اند، بنابراین مصونیت دارند. افرادی که سلاح بر زمین بگذارند و کسانی که توانایی جنگ را از دست داده‌اند یا اصولاً قدرت بر جنگ ندارند، همچون اطفال نباید مورد تعدی قرار گیرند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۹-۲۰)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

در این آیات قتال را مقید به قتال کرده و فرموده: وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ، در راه خدا قتال کنید با کسانی که با شما قتال می‌کنند و معلوم است که معنای این کلام اشتراط قتال به قتال نیست و نمی‌خواهد بفرماید اگر قتال کردند شما هم قتال کنید، چون در آیه کلمه «ان - اگر» به کار نرفته است. از سوی دیگر قید نامبرده احترازی هم نمی‌تواند باشد، تا معنا این شود که تنها با مردان قتال کنید نه با زنان و کودکان لشکر دشمن (که بعضی این طور معنا کرده‌اند) برای اینکه قتال با اطفال که قدرت بر قتال ندارند عملی بی‌معنا است و معنا ندارد بفرماید با آنان مقاتله (جنگ طرفینی) مکن، بلکه اگر منظور این بود باید بگوید: کودکان را مکشید. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ...». قتال به معنای آن است که شخصی قصد کشتن کسی را کند که او قصد کشتن وی را دارد، و در راه خدا بودن این عمل به این است که غرض تصمیم‌گیرنده اقامهٔ دین و اعلاهی کلمهٔ توحید باشد که چنین قتالی عبادت است که باید با نیت انجام شود و آن نیت عبارت است از رضای خدا و تقرب به او، نه استیلا بر اموال و ناموس مردم. پس قتال در اسلام جنبهٔ دفاعی دارد، اسلام می‌خواهد به وسیله قتال با دشمنان از حق قانونی انسان‌ها دفاع کند، حقی که فطرت سلیم هر انسانی به بیانی که خواهد آمد آن را برای انسانیت قائل است. آری از آنجایی که قتال در اسلام دفاع است و دفاع بالذات محدود به زمانی است که قلمرو اسلام مورد هجوم دشمنان اسلام قرار گیرد، به خلاف جنگ که معنای واقعی‌اش تجاوز و خروج از حدود مرز است، لذا قرآن کریم دنبال فرمان قتال فرمود: «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ تجاوز مکنید که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد: «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ...». کلمهٔ «تعدوا» از مصدر «اعتدا» است و اعتدا به معنای بیرون شدن از حد است. مثلاً وقتی گفته می‌شود: «فلان عدا و یا فلان اعتدی» معنایش این است که فلانی از حد خود تجاوز کرد و نهی از اعتدا نهی مطلق است. در نتیجه مراد از آن مطلق هر عملی است که عنوان تجاوز بر آن صادق باشد، مانند قتال قبل از پیشنهاد مصالحه بر سر حق و نیز قتال ابتدایی و قتل کودکان و قتال قبل از اعلان جنگ با دشمن و امثال این‌ها که سنت نبوی آن را بیان کرده است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۸۹-۸۷)

ب) مستند روایی

در خصوص حمایت از اطفال در زمان مخاصمات مسلحانه روایات متعددی در منابع امامیه وارد شده که می‌توان با توجه به مدلول و نکاتی مختلفی که در آن‌ها بیان شده، آن‌ها را به گروه‌های مختلفی طبقه‌بندی نمود. اما از آنجا که بحث ما درباره جنبه حمایتی روایات از اطفال است، گروه‌بندی آن نیز بر همین مبنا خواهد بود. لازم به ذکر است که در روایات اطفال و زنان در کنار هم آمدند، چون بحث ما درباره اطفال است لذا فقط قسمت مربوط به اطفال را ذکر می‌کنیم.

۱. روایاتی که به طور مطلق از قتل زنان و کودکان (مقاتل و غیر مقاتل) منع نموده‌اند.

شیخ طوسی در تهذیب الاحکام می‌گوید:

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ التَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا أَرَادَ أَنْ يَبْعَثَ سَرِيَّةً دَعَاهُمْ فَأَجْلَسَهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ سِيرُوا بِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ لَا تَغْلُوا وَلَا تَمْتَلُوا وَلَا تَغْدِرُوا وَلَا تَقْتُلُوا ... وَلَا صَبِيًّا... (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۱۳۸)

امام صادق عليه السلام فرموده است: رسول خدا صلى الله عليه وآله هرگاه می‌خواست گروهی را جهت جنگ بفرستد، آن‌ها را می‌طلبید و کنار خودش می‌نشاند و به آن‌ها سفارش می‌کرد بانام خدا، به کمک خدا و به قصد تحصیل رضای خدا و بر اساس روش رسول خدا صلى الله عليه وآله حرکت کنید... و هیچ کودکی را نکشید.

بنابراین دلالت این گروه از روایات در ممنوع بودن قتل کودکان، دارای اطلاق است.

۲. روایاتی که به‌طور مطلق صرفاً از قتل اطفال منع نموده‌اند.

عَنْ مَسْعُودَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنْ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَبْعَثَ أَمِيرًا عَلَى سَرِيَّةٍ أَمَرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي خَاصَّةِ نَفْسِهِ ثُمَّ فِي أَصْحَابِهِ عَامَةً ثُمَّ يَقُولُ اغْزُوا بِسْمِ اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ قَاتِلُوا مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ وَلَا تَغْدِرُوا وَلَا تَغْلُوا وَلَا تَمْتَلُوا وَلَا تَقْتُلُوا وَلِيدًا.

پیامبر صلى الله عليه وآله همواره به فرماندهان غزوات سفارش می‌فرمودند: به نام خدا و در راه او بجنگید. کسانی را که به خدا کفر ورزیده‌اند بکشید، اما افراط نکنید، خیانت نوزید، مثله نکنید و کودکی را نکشید.

قسمت اخیر روایت محل بحث ماست که می‌گوید کودک را نکشید. «ولید» انصراف به «صغار» دارد. (همان، حدیث ۲)

۳. روایاتی که به طور مطلق قتل کودکان و زنان را ممنوع شمرده‌اند، مگر اینکه ضرورت اقتضا نماید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله از کشتن کودکان در دارالحرب نهی کرده است، مگر آنکه آنان وارد کار و زار نظامی شوند، حتی اگر آن‌ها وارد جنگ شده‌اند تا آنجایی که می‌توان مدارا کن (و از کشتن آن‌ها پرهیز کن) و در این مسئله چیزی تو را نترساند... (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۹: ۴۱۱)

۴. روایاتی که بیانگر قاعده کلی‌اند که جهاد در اسلام جنبه دفاعی دارد و مادامی که فرد یا افرادی، خواه مردان و خواه زنان با شما سر جنگ ندارند، شما حق تعرض و جنگ با آنان را نخواهید داشت. همچنین از این روایات می‌توان این قاعده کلی را به دست آورد که غیرنظامیان مصون از هرگونه تعرض‌اند. در این زمینه دو روایت را ذکر می‌کنیم:

و من وصیته علیه السلام لمعقل بن قیس الریاحی حین انفذه الی الشام فی ثلاثة آلاف مقدمة له اتق الله الذی لا بد لک من لقائه و لا منتهی لک دونه و لا تقاتلن إلا من قاتلک. (نهج البلاغه، نامه ۱۲)

از سفارش امام علی علیه السلام به معقل بن قیس هنگامی که او را به صفین می‌فرستاد این است که فرمود: جز با کسی که با تو سر جنگ دارد، پیکار مکن... .

و کان عهد رسول الله صلی الله علیه و آله ان لا یقاتلوا بمکه الا من قاتلهم سوی نفر کان یؤذونه فقتل امیر المؤمنین علیه السلام منهم الحویرث بن نفیل بن کعب و کان یؤذی رسول الله بمکه. (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱: ۲۹۰)

فرمود: جنگ نکنند با اهل مکه مگر با جماعتی که در مقام جنگ باشند و بعضی دیگر که پیغمبر صلی الله علیه و آله را در مکه اذیت کرده بودند، امیرمؤمنین علیه السلام از جمله آن‌ها حویرث بن نفیل بن کعب را به قتل رساند.

روایات اهل سنت را نیز مانند روایات امامیه بر اساس نگرش به جنبه حمایتی از زنان و کودکان در مخاصمات مسلحانه، می‌توان حداقل به چهار گروه تقسیم‌بندی نمود. (لطفی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۴)

ج) مستندات فقهی

حمایت از اطفال و مصونیت آنها حتی در جریان مخاصمات مسلحانه مورد اتفاق نظر دیدگاه فقهی است، با این حال بررسی منابع فقهی نشان می‌دهد که دیدگاه‌ها در مورد دامنه شمول این حمایت، یکسان نبوده بلکه دارای اختلاف نظرهایی است. در عین حال ضرورت نظامی یا حالت اضطرار نکته مشترک همه دیدگاه‌ها حتی کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی را نشان می‌دهد.

توضیح مطلب اینکه اطفال و دیگر اشخاص مورد حمایت اگر چه در حال عادی مخاصمات از مصونیت و حمایت خاصی برخوردارند، اما در صورت اقتضای ضرورت نظامی^۱ یا حالت اضطرار با توجه به قاعده فقهی «الضروریات تبیح المحظورات» و مصالح عالی اسلامی و «الاهم فالهم» ممکن است میزان حمایت و مصونیت از زنان و کودکان را محدود و یا پایان بخشد. طبق همین مبنا در مورد دامنه حمایت از کودکان دو دیدگاه فقهی عمده مطرح شده است:

۱. دیدگاه مشهور فقهای امامیه؛ طبق این دیدگاه، زنان و کودکان حتی در صورت معاون و مقاتل بودن نیز تا زمانی که ضرورت نظامی اقتضا نماید مورد حمایت خواهند بود: «لا يجوز قتل المجانین و لا الصبیان و لا النساء منهم و ان أعن إلا مع الحاجة». علامه حلی می‌گوید کشتن دیوانگان، کودکان و زنان جایز نیست، اگر چه این‌ها در جنگ به دشمنان کمک کرده باشند، مگر در حالت اضطرار که در این صورت کشته می‌شوند. صاحب جواهر می‌گوید قتل دیوانگان، کودکان و زنان هر چند در عرصه نبرد کمک‌رسانی کنند، مطلقاً ممنوع است، مگر در صورت اضطرار. در این مسئله بین فقها اختلافی وجود ندارد، بلکه در ممنوعیت کشتن زنان و کودکان تمام فقها اجماع دارند. به علاوه از پیغمبر

۱. ضرورت نظامی در اصطلاح فقه الجهاد و حقوق بشردوستانه بین‌المللی عبارت است از اقدامی که تنها و آخرین راهکار لازم برای شکست دشمن و یا جلوگیری از ادامه تجاوز دشمن باشد. این اصل که هر متخاصم تنها آن میزان و آن نوع نیرویی را که برای شکست دشمن لازم است باید به کار گیرد، مانع استفاده غیرضروری و بی‌جهت از زور می‌شود و یکی از اصول دیرینه و ثابت حقوق بشردوستانه به شمار می‌آید. در اسناد بین‌المللی نیز اصل ضرورت مورد توجه قرار گرفته به طوری که «استفاده از تسلیحات و ابزارهای جنگی که ممکن است باعث رنج غیرضروری شوند، ممنوع می‌باشد. همچنان که تخریب غیرضروری اموال نیز ممنوع گردیده است». (کنوانسیون لاهه، ماده ۲۳)

اکرم علیه السلام روایت شده که از کشتن پیرمردان، زنان و کودکان، نهی فرموده است. (نجفی، بی تا، ج ۲۱: ۷۳)

۲. دیدگاه غیر مشهور فقهای امامیه و جمهور فقهای اهل سنت؛ بر اساس این دیدگاه زنان و کودکان تا زمانی مصونیت دارند که معاون و مقاتل محسوب نشوند و الا قابل حمایت نخواهند بود.

دو نمونه از عبارات فقهای امامیه و اهل سنت را ذکر می کنیم، حلبی می گوید:

و لا يجوز قتل الشيخ الفاني الا أن يكون من أهل الرأي^۱ ك «درید بن الصمه» و لا المرأة و لا الصبی و لا المريض المدنف و لا الزمن و لا الأعمی و لا المأوف و لا العقل^۲ و لا لمبتتل فی شاهر^۳ الا أن یقاتلوا فیحل قتلهم. (حلبی، ۱۴۰۳ق: ۲۵۶)

کشتن سالخورده، زن، کودک، افراد مریض، نابینا، ناقص العقل و عابدان جایز نیست. سرخسی از فقهای حنفی می گوید: قتل کودکان جایز نمی باشد مگر اینکه آن ها در حال جنگ باشند که در این صورت کشتن آن ها جایز است. (سرخسی، المبسوط، ج ۱۰: ۵-۶)

بهائی عاملی می گوید:

فصل چهارم در کیفیت جهاد کردن با کفار؛ بدان که در جهاد کردن با کفار ۲۷ امر متعلق است؛ سه امر واجب و ده امر حرام و شش امر سنت و هشت امر مکروه... اما آن ده امری که حرام است... چهارم کشتن زنان کفار اگر چه معاونت کفار کنند و همچنین حرام است کشتن اطفال و دیوانه های ایشان... (بهائی عاملی، بی تا: ۱۵۶)

مرحوم خوئی می گوید:

از کفار در حال جنگ چند گروه استثنا شده و قتل آن ها جایز نیست، که عبارت اند از پیرمردها، زن ها و کودکان. همچنین کشتن اسرای مسلمانان که به دست کفار اسیر شدند جایز نیست، مگر اینکه کفار اسرای مسلمان را سپر خودشان قرار داده باشند که غلبه بر کفار متوقف بر کشتن این اسرا باشد، در این صورت می تواند بر کفار حمله کنند اگر چه در ضمن این حمله اسیران کشته شوند. (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۷۱)

۱. اهل رأی یعنی کسی که مشارکت فکری و عملی در جنگ داشته است.

۲. وصف به معنای آفت و بلازده است. المأوف العقل به کسی گفته می شود که بر اثر آفت یا حادثه ای عقلش دچار نقصان شده باشد. (لسان العرب، ج ۹: ۱۶)

۳. افرادی که از دنیا بریده اند و مشغول عبادت خدا هستند (عابدان).

محقق حلی می‌فرماید: «ولا يجوز قتل المجانين و لا الصبيان و لا النساء منهم و لوعاونهم الا مع الاضطرار».

کشتن افراد مجنون، بچه‌ها و زن‌های کفار جایز نیست، اگر چه این افراد در جنگ کفار را کمک کرده باشند، مگر در حال ضرورت که کشتن آن‌ها جایز است. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۲۸۳)

آنچه ملاحظه شد برخی از احکام و قواعد فقهی است که در دین مقدس اسلام، در ارتباط با رعایت برخی از حقوق غیرنظامیان از جمله کودکان وجود دارد. بی‌شک با تتبع در منابع روایی و فقهی، موارد دیگری نیز یافت خواهد شد. کودکان و نوجوانان معمولاً در جنگ‌ها و نزاع‌ها بسیار آسیب‌پذیر هستند و بیشترین صدمات جسمی و روحی متوجه آنان خواهد بود. این مسئله هنگامی که جنگ‌ها و نزاع‌ها به شهرها و محله‌ها کشانده می‌شود، بیشتر نمایان است.

یکی از اصول و قواعدی که در کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های الحاقی، در ارتباط با رعایت حقوق بشردوستانه بر آن تأکید و اصرار می‌شود، عبارت است از ممنوعیت شرکت اطفال در جنگ‌ها و مخاصمات. این اصل در فرهنگ و فقه اسلامی فراتر از آنچه به تصویب گروه‌های طرفدار حقوق بشردوستانه و جمعیت‌ها و حامی آن‌ها رسیده، آمده است.

در این رابطه روایات فراوانی از طریق امامیه رسیده است. از باب نمونه، کتاب دعائم الاسلام از پیغمبر اسلام ﷺ نقل می‌کند:

وَعَنْهُ ﷺ أَنَّهُ قَالَ لَيْسَ عَلَى الْعَبِيدِ جِهَادٌ مَا اسْتَعْنَى عَنْهُمْ وَ لَا عَلَى النِّسَاءِ جِهَادٌ وَ لَا عَلَى مَنْ لَمْ يَبْلُغِ الْحُلُمَ. (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱: ۳۴۲)

رسول خدا ﷺ فرموده است: بر بردگان جهاد واجب نیست، تا هنگامی که از آن‌ها بی‌نیازی حاصل شود (کنایه از آزادی) و بر زنان و نیز کودکان تا زمانی که به حد حلم (تکلیف) نرسند، جهاد واجب نیست.

۲. حمایت از اطفال در مخاصمات مسلحانه در قوانین در ایران

در جمهوری اسلامی ایران دختران از سربازی معاف‌اند. قانونگذار ایران منفعت عالی زنان و دختران را در عدم احضار آنان به سربازی دانسته است، اما پسران مطابق ماده ۲

قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب سال ۱۳۹۰ از ۱۸ سالگی موظف به انجام خدمت وظیفه عمومی خواهند بود:

هر فرد ذکور ایرانی در ماهی که طی آن ماه به سن هجده سال تمام می‌رسد مشمول مقررات وظیفه عمومی است.

همچنین ماده ۱۹ قانون خدمت وظیفه عمومی بیان می‌دارد:

کسانی که به سن ۱۸ سال تمام می‌رسند، پس از انتشار آگهی احضار، موظف‌اند ظرف شش ماه خود را به سازمان معرفی نمایند و سازمان مکلف است، حداکثر ظرف شش ماه تکلیف مشمولین وظیفه را تعیین نماید و آن‌ها را به خدمت اعزام، یا برابر مقررات از خدمت دوره ضرورت معاف کند.

بر این اساس تعارضی میان تعهدات بین‌المللی و مقررات داخلی ایران در این باره وجود ندارد.

شاید به نظر رسد آموزش نظامی اعضای بسیج سپاه پاسداران، نوعی سربازگیری داوطلبانه شمرده شود، اما با مراجعه به قانون استخدام سپاه و بسیج می‌توان دریافت که هدف این آموزش‌ها مشارکت دادن کودکان زیر سن بلوغ در مخاصمات نیست، بلکه اولویت با سن بالاتر از ۱۶ سال پسران در فعالیت‌های غیرمستقیم است. البته تصریح به عدم مشارکت مستقیم کودکان زیر سن بلوغ: راحت در حمایت از آنان در مخاصمات خواهد بود. (مصفا، ۱۳۸۳: ۲۱۴)

بند (ط) ماده ۱۶ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیان می‌دارد:

ماده ۱۶: شرایط عمومی استخدام کادر ثابت و پیمانی و پرسنل بسیجی ویژه (پاسداران افتخاری) به شرح زیر می‌باشد: ... ط. داشتن حداقل ۱۶ سال سن تمام و حداکثر ۴۰ سال سن.

بازگشت به خانواده

کودکان قربانی جنگ نیازمند حمایت ویژه هستند. از جمله مهم‌ترین حمایت از آنان، بازگشت به خانواده است. چنانچه بازگرداندن کودکان بزه‌دیده جنگ به خانواده‌های آنان ممکن نباشد، دولت اسلامی و مسلمانان در جستجوی پناهگاه‌های امن برای آنان خواهند بود. به دلیل نیاز کودکان به محیط امن و عاطفی، کودکان ترجیحاً در پناه یک خانواده

جایگزین، زندگی خواهند کرد. چنانچه این شرایط برای کودکان فراهم نگردد در آن صورت کودکان به مراکز بهزیستی سپرده می‌شوند.

بدیهی است در این موارد لازم است نیازهای اساسی کودکان مانند تغذیه، پوشاک و خدمات بهداشتی و آموزشی تأمین گردد. به‌ویژه لازم است با مشارکت دادن آنان در برنامه‌های متنوع، از آسیب‌های جسمی و روحی وارده به آنان کاست. چنانچه، دولت با انعقاد یک پیمان بین‌المللی بتواند کودکان سرزمین خود را از بلایای جنگ دور سازد، این کار بر دولت اسلامی لازم خواهد بود، زیرا این معاهده تعهدات متقابلی فراهم می‌سازد که کودکان از صدمات جنگ دور بمانند. در این‌گونه معاهدات دولت‌ها متعهد خواهند بود کودکان را در جنگ مشارکت ندهند و چنانچه کودکان در جنگ آسیب دیدند، اقدامات حمایتی لازم از آنان تا بازگشت به خانواده معمول گردد. (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۷۵)

بنابراین، بر افراد، نهادهای مردم‌نهاد و دولت لازم است در حد توان و امکانات از بروز خشونت علیه کودکان در مخاصمات جلوگیری نمایند. بر اساس آنچه فقیهان در حمایت از کودکان در مخاصمات آورده‌اند دولت اسلامی موظف می‌شود، کسانی را که کودکان را در مخاصمات مشارکت می‌دهند و یا آنان را هدف قرار می‌دهند به عنوان مجرمان جنگی تحت تعقیب قرار داده محاکمه و مجازات نماید. چه دولت اسلامی به پروتکل الحاقی خاص حمایت از کودکان در مناقشات بپیوندد یا خیر، آموزه‌های اسلام از کودکان در مخاصمات پشتیبانی خواهد کرد. (همان: ۷۶)

تشویق به حذف سربازگیری از زنان و دختران در نیروهای مسلح ضمن کاستن از خشونت علیه زنان و دختران در جهت تأمین منفعت عالیۀ آنان است. توسعه آموزش و ارتقا سطح آگاهی‌ها به کودکان، والدین، نیروهای نظامی و انتظامی، آموزگاران، روحانیون، نهادهای مردم‌نهاد و نیروهای حافظ صلح درباره حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه و تلاش در جهت حمایت عملی از کودکان، از طریق خلع سلاح، ترخیص و بازگشت کودکان به خانواده و اجتماع، گام‌هایی دیگر در حمایت بیشتر از کودکان است. دولت‌های اسلامی که با تنظیم «میثاق حقوق کودک در اسلام»^۱ توسط سازمان کنفرانس اسلامی در تعامل با جامعه بین‌المللی و حمایت از حقوق کودکان در حوزه حقوق

۱. این میثاق در ژوئن ۲۰۰۵ میلادی در صنعا پایتخت یمن، به تصویب وزیران خارجه کشورهای اسلامی رسید و در مواد ۱۷ (بند ۵) و ۲۱ به حقوق کودکان در مخاصمات اشاره دارد. برای آشنایی با این کنوانسیون

بشر گام برداشته‌اند، در تصویب و الحاق آن نیز شتاب کنند. یک شبکه نظارتی و گزارش دهی در سازمان کنفرانس اسلامی برای اجرای میثاق مزبور پیش‌بینی کنند و کمک‌های فنی کمیته حقوق کودک را جلب کنند. (همان: ۷۷)

۳. حمایت از اطفال در مخاصمات مسلحانه در اسناد بین‌المللی

کودکان عامل برانگیختن درگیری‌های مسلحانه نیستند، اما صدمات زیادی را در این رابطه متحمل می‌شوند. بیشترین سهم صدمات ناشی از مخاصمات مسلحانه متوجه این دسته از غیرنظامیان است، به همین جهت سازمان‌ها و نهادهای بشردوستانه و دولت‌ها در اندیشه حمایت از این قشر آسیب‌پذیر می‌باشند، چرا که حقوق کودک به مثابه زیرمجموعه‌ای از حقوق بشر بین‌المللی است. از این رو، جامعه بین‌المللی این واقعیت را پذیرفته است که کودکان به منزله قشر آسیب‌پذیر اجتماعی در معرض آسیب‌های جسمی و روحی خاص قرار دارند و بنابراین برای مقابله با آن، اسناد ویژه‌ای به تصویب رسانده است.

هرچند مقررات موجود حقوق بین‌الملل، سربازگیری زیر سن ۱۵ سال را ممنوع اعلام کرده است و از سن ۱۵ تا ۱۸ سالگی اولویت را به سن بالاتر می‌دهد، اما سربازگیری داوطلبانه نیز باید به‌طور روشن مشخص شود. اسناد بین‌المللی به موضوع حمایت از کودکان، توجه ویژه‌ای نشان داده است؛ چراکه کودکان را می‌توان آسیب‌پذیرترین قشر از افراد بی‌گناهی دانست که در مخاصمات مسلحانه، مورد آسیب‌های جدی قرار می‌گیرند. کودکان به‌طور خاص، در طول مخاصمات روده می‌شوند و همانند یک برده نسبت به آنان، انواع اعمال خشونت‌آمیز جنسی، جسمی و روحی انجام می‌گیرد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۴۷۴)

موازین بین‌المللی حمایت از کودکان را می‌توان چنین برشمرد:

۱. کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷؛
۲. اعلامیه بین‌المللی حقوق کودک؛
۳. کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک؛

و میزان تأثیر آن در حمایت از کودکان در مناقشات مسلحانه رک: نسرين مصفا، «میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی»: ۳۵.

۴. پروتکل الحاقی به کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک در مورد «مشارکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه، سال ۲۰۰۰؛
 ۵. اساسنامه بین‌المللی ۱۹۹۸؛
 ۶. مقاله‌نامه شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار با عنوان «بدترین اشکال کار کودک» و توصیه‌نامه شماره ۱۹۰؛
 ۷. قطعنامه شماره ۲۳۱۸ مورخ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی در «حمایت از زنان و کودکان در تعارضات مسلحانه»؛
 ۸. اسناد منطقه‌ای.
- حال به بررسی خلاصه دو مورد از مهم‌ترین این موازین می‌پردازیم:

ا) کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹

در سال ۱۹۴۹ میلادی، چهار کنوانسیون ژنو که امروزه نیز به اجرا درمی‌آید، به تصویب رسیدند. در هر یک از این کنوانسیون‌ها گروه خاصی از افراد مورد حمایت قرار گرفتند که این گروه‌ها در مخاصمات شرکت نداشته یا قادر به شرکت در آن نیستند. کنوانسیون نخست: در خصوص «مراقبت از مجروحین و بیماران عضو نیروهای مسلح در زمین»؛

کنوانسیون دوم: در خصوص «مراقبت از مجروحین، بیماران و کشتی غرق‌شدگان عضو نیروهای مسلح در دریا»؛

کنوانسیون سوم: در خصوص «رفتار با اسیران جنگی»؛

کنوانسیون چهارم: «در خصوص حمایت از غیرنظامیان، هنگام جنگ»؛ که قسم چهارم مربوط به بحث این پژوهش است.

کنوانسیون ژنو میراث جنگ جهانی دوم است. منشأ این کنوانسیون‌ها تجربیات تلخ جنگ می‌باشد و حمایت قانونی از بزه‌دیدگان جنگ به‌ویژه غیر نظامیانی را که به اسارت دشمن درآمده‌اند تا حد بسیار زیادی، بهبود می‌بخشد. امروزه تمام دولت‌ها عملاً عضو کنوانسیون‌های ژنو می‌باشند. با توجه به اینکه کنوانسیون‌های مذکور، توسط جامعه جهانی پذیرفته شده می‌توان به‌طور صریح اذعان داشت که به قوانین جهانی تبدیل شده‌اند. (همان: ۱۳۷)

ماده ۱۷ کنوانسیون چهارم می‌گوید: «کودکان و زنان باردار و تازه‌زا در میان کسانی هستند که طرفین مخاصمه باید امکانات لازم را برای عبور آن‌ها فراهم کنند». بر اساس ماده ۴ کنوانسیون چهارم ژنو، طرفین تخاصم باید تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا کودکان کمتر از ۱۵ سال که بر اثر جنگ یتیم می‌شوند و یا از خانواده جدا می‌افتند به حال خود واگذاشته نشوند و در هر شرایطی تسهیلات لازم جهت نگهداری و انجام فرایض مذهبی و تربیتی آنان فراهم شود.

در ادامه بند ۵ ماده ۳۸ کنوانسیون، به اقدامات خاص مربوط به خارجی‌ها می‌پردازد و بیان می‌دارد: «اطفال کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار و مادران دارای اطفال کمتر از ۷ سال، به‌طور ویژه مورد حمایت قرار خواهد گرفت».

ماده ۵۰ کنوانسیون چهارم ژنو در شرح وظایف دولت اشغالگر می‌گوید:

دولت اشغال‌کننده با معاضدت مقامات ملی و محلی، حسن اداره مؤسسات مخصوص پرستاری و تربیت اطفال را تسهیل خواهد کرد و همه گونه اقدامات لازم برای تعیین هویت اطفال و ثبت نسب آن‌ها به عمل خواهد آورد. دولت اشغالگر در هیچ حالتی نمی‌تواند به تغییر وضع شخصی آن مبادرت کند و یا آن‌ها را در تشکیلات و سازمان‌های تابع خود وارد نماید.

در بخش چهارم نیز، در قواعد مربوط به رفتار با بازداشت‌شده‌ها می‌گوید:

بازداشت‌کننده باید حوائج اشخاص تحت تکفل بازداشت‌شده‌ها را در صورتی که فاقد وسایل کافی معاش باشند و یا شخصاً قادر به تأمین زندگی خود نباشند، رفع نمایند.

ماده ۸۹ نیز به غذا و پوشاک بازداشت‌شده‌ها اختصاص دارد که بیان می‌دارد:

زنان باردار و تازه‌زا و اطفال کمتر از ۱۵ سال غذای اضافه مناسب و با نیازهای جسمانی خود، دریافت خواهند کرد.

پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز توجه خاص به کودکان دارند. ماده ۷۷ پروتکل نخست طی چندین بند، حمایت از کودکان را مطرح می‌سازد. بند نخست می‌گوید: کودکان باید مورد احترام خاصی قرار گیرند و در برابر هر شکل از حمله غیرمحرمانه حمایت شوند. طرف‌های مخاصمه مراقبت و کمکی را که کودکان خواه به علت سن و یا به هر علتی دیگری به آن نیاز دارند برای آن‌ها فراهم می‌آورند.

بند دوم به شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه اختصاص دارد که یکی از بحث‌انگیزترین موارد مربوط به موضوع کودکان و درگیری‌های مسلحانه، یعنی سن شرکت در درگیری‌هاست. این بند اظهار می‌دارد طرف‌های مخاصمه هرگونه اقدام ممکن را به عمل خواهند آورد تا کودکانی که به سن پانزده‌سالگی نرسیده‌اند، به‌طور مستقیم در مخاصمات شرکت نمایند و به‌ویژه از فراخواندن آن‌ها به نیروهای مسلح اجتناب خواهند کرد.

طرف‌های مخاصمه در فراخواندن افرادی که سن آن‌ها از پانزده سال بیشتر است، اما هنوز به سن هجده سال نرسیده‌اند، کوشش خواهند کرد برای کسانی که سن بیشتری دارند، اولویت قائل شوند. این ماده بعداً مورد توجه کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک و پروتکل الحاقی سال ۲۰۰۰ قرار گرفت. بندهای ۵-۳ این ماده نیز اختصاص به حمایت از کودکان اسیر، بازداشتی و اجرا نکردن مجازات اعدام برای مرتکبان جرم کمتر از هجده سال سن دارد.

در ادامه ماده ۷۸ پروتکل نخست نیز می‌گوید:

هیچ یک از طرفین مخاصمه انتقال کودکانی به جز اتباع خود، به یک کشور خارجی را ترتیب نخواهد داد، مگر در صورت انتقال موقتی، به دلایل اضطراری مربوط به سلامت یا درمان پزشکی کودکان یا در خصوص سرزمین‌های اشغالی و در صورتی که ایمنی آن‌ها ایجاب نماید. در صورتی که والدین یا سرپرستی قانونی این کودکان یافت شوند، رضایت کتبی آن‌ها برای این انتقال لازم است.

پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ مربوط به «تعارضات داخلی»، در بخش دوم که به برخورد انسانی اختصاص دارد، طی ماده ۴ بند ۳ می‌گوید: «کودکانی که به سن پانزده‌سالگی نرسیده‌اند، نه مجاز است که به استخدام نیروها یا گروه‌های مسلح درآیند و نه مجاز است که در منازعات شرکت نمایند».

بندهای دیگر نیز مورد حمایت ویژه برای کودکانی که علی‌رغم بند فوق در جنگ شرکت مستقیم نموده و اسیر شده‌اند، مقرراتی را مطرح می‌کند. (همان: ۷۴۲-۷۴۱)

ب) کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک

کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوب ۱۹۸۹ مهم‌ترین سند بین‌المللی برای حمایت همه‌جانبه از کودکان است که اساس تفکر بین‌المللی برای بقاء رشد و حمایت از کودکان را در نظر دارد.

ماده ۳۸ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک از دولت‌ها می‌خواهد که به قواعد حقوق بشردوستانه، قابل‌اعمال در تعارضات مسلحانه، احترام گذارند و احترام به آن را تأمین نمایند. این ماده بیان می‌دارد:

تمام معیارهای ممکن به کار گرفته شود تا کودکان زیر پانزده سال در تعارضات، به‌طور مستقیم درگیر نشوند و از به‌کارگیری کودکان بین پانزده و هیجده سال، تقدم با بزرگ‌ترها باشد.

بند چهارم ماده می‌خواهد که دولت‌ها تمام معیارهای لازم را برای تأمین حمایت و مراقبت از کودکانی که در تعارضات مسلحانه آسیب می‌بینند، به‌کارگیرند.

انتقاد وارده به کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک برای طرح سن کمتری برای درگیری کودکان در جنگ به‌وسیله پروتکل الحاقی به کنوانسیون در سال ۲۰۰۰ جبران شد. البته قبل از تصویب این پروتکل نیز کمیته حقوق کودک در تفسیر خود از ماده ۳۸ مطرح کرد که در پرتو تعریف کودک که افراد زیر هجده سال را دربرمی‌گیرد و اصل بهترین منافع کودک، هیچ فردی زیر هجده سال نباید به‌طور مستقیم و غیرمستقیم درگیر تعارضات شود. (همان: ۷۴۴)

پس به‌طور خلاصه حمایت کنوانسیون از کودکان در مخاصمات مسلحانه در این موارد است:

- حمایت از کودکان غیرنظامی در برابر آسیب‌های ناشی از مخاصمات مسلحانه؛
 - منع شرکت مستقیم و داوطلبانه کودکان زیر پانزده سال در مخاصمات مسلحانه؛
 - منع استخدام کودکان زیر پانزده سال در نیروهای نظامی؛
 - اولویت دادن به اشخاص بالای هجده سال برای استخدام در نیروی نظامی.
- یکی از نکاتی که در این ماده به نظر می‌رسد، انعطاف آن نسبت به سن کودکی است. بر اساس این کنوانسیون، کودک هر انسان زیر هجده سال است، اما در مقررات مربوط به شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه این سن را به پانزده سال تقلیل می‌دهد و اجازه شرکت بخشی از کودکان در مخاصمات مسلحانه را می‌دهد. این امر با منافع کودک که

یکی از اصول کنوانسیون است سازگار نیست، هرچند ممکن است پیش‌بینی این ماده نیز به دلیل استقبال نشدن از کنوانسیون صورت گرفته باشد. (همان: ۵۶۱)

۴. حمایت از اطفال در مخاصمات مسلحانه در حقوق افغانستان

وضعیت نا امن افغانستان به دلیل درگیری میان نیروهای دولتی با طالبان از یک سو و حضور نیروهای خارجی به رهبری آمریکا و نیروهای ناتو از سوی دیگر آثار ناگواری برای اطفال به دنبال دارد. اطلاعات کامل و درستی از طالبان در استفاده یا سوءاستفاده از اطفال در دست نیست، ولی این گروه در مواردی از اطفال برای عملیات انتحاری که در نوع خود پدیده جدیدی است، علیه نیروهای خارجی و دولتی استفاده کرده است. همچنین پاره‌ای از عملیات نظامی علیه مدارس و مراکز آموزشی توسط طالبان انجام گرفته است. عملیات هوایی نیروهای خارجی در این کشور نیز از کودکان قربانی می‌گیرد. داعش نیز که به تازگی در افغانستان اعلام موجودیت کرده به مراتب از طالبان خشن‌تر و بی‌رحم‌تر است و به احدی از مخالفین خود رحم نمی‌کند.

اولین حق یک کودک حق حیات است که در افغانستان چندان بهایی به آن داده نمی‌شود. وجود پدیده‌هایی همچون کودکان سرباز، قربانیان حملات انتحاری و یا قربانیان بمب‌های خیابانی شاهد بر این مدعا است.

آمار دقیقی از کودکان سرباز در افغانستان در دست نیست. زمانی که طالبان در ۱۹۹۴ به عنوان یکی از طرفین جنگ داخلی به عرصه مناقشات افغانستان وارد شد، بسیاری از دانش‌آموزان جوان افغان را که در مدارس مذهبی پاکستان مشغول تحصیل بودند به خدمت گرفت. در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۷) ملا محمد عمر سردسته طالبان دستور داد هر یک از طرفدارانش که هنوز آن قدر جوان است که ریش روی صورت او دیده نمی‌شود از بین نیروهای طالبان خارج شود و هر که از امر او سرپیچی کند به سختی مجازات خواهد شد.^۱

گزارش‌های یونیسف در سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۹) خبر از آن می‌داد که تعداد رو به افزایشی از کودکان افغان در ارتش طالبان مشغول خدمت هستند. در همان دوران کوفی عنان

۱. <http://www.watchlist.org/reports/Afghanistan.report.php>

دبیر کل سازمان ملل، در گزارش خود به شورای امنیت اطلاع داد که طالبان بین ۲ تا ۵ هزار نفر از دانش‌آموزان مدارس مذهبی پاکستان را که بسیاری از آن‌ها زیر ۱۴ سال سن دارند به خدمت گرفته است. نیروهای طالبان به سرعت در برابر این گزارش‌ها واکنش نشان دادند و این موضوع را انکار کردند. در بازبینی که سازمان ملل متحد در همان سال از خطوط مقدم جبهه افغانستان به عمل آورد هیچ‌گونه مدارک و شواهدی مبنی بر این دست نیامد، گرچه بعدها این موضع آشکار شد.

در بین نیروهای ائتلاف شمال هیچ قانونی برای تعیین حداقل سن سربازان وجود نداشت و حتی اسنادی بر استفاده از کودکان ۱۱ ساله در مخاصمات وجود دارد. خلع سلاح این کودکان و فراهم آوردن سرپناه و حمایت از آن‌ها یکی از اهداف سازمان ملل متحد را در افغانستان تشکیل می‌دهد. این سازمان به دنبال بازگرداندن ۸۰۰۰ کودک سرباز در افغانستان به زندگی عادی است.

دولت افغانستان هم بر این باور است که آموزش می‌تواند به کاهش ناامنی‌ها در افغانستان منجر شود. از آنجایی که نیروهای طالبان از مدارس خارج از افغانستان برای آموزش نیروهای خود استفاده می‌کنند، دولت ۳۴ مدرسه مذهبی را در افغانستان تأسیس کرد، که ۴۰٪ از برنامه‌های درسی آن‌ها آموزش‌های مذهبی، ۴۰٪ آموزش‌های همگانی و ۲۰٪ زبان و کامپیوتر است. با این اقدامات دولت افغانستان امیدوار است تا تعداد افرادی را که به نیروهای طالبان ملحق می‌شوند تا ۵۰٪ و حملات انتحاری را تا ۹۵٪ کاهش دهد. (مصفا و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۱-۶۰)

أ) حملات انتحاری و بمب‌گذاری‌ها

عضویت اطفال در گروه‌های نظامی تنها عاملی نیست که آن‌ها را به قربانیان ناامنی‌ها در افغانستان تبدیل کرده است. در جنگ‌ها کودکان گاه بیش از خود مبارزان در خط مقدم قرار می‌گیرند و بیش از آن‌ها در معرض خطر قرار دارند. کودکان اهداف آسان حملات نظامی را تشکیل می‌دهند. بازی کردن در مکان‌های شلوغ و یا کنج‌کاوای آن‌ها را بیشتر در برابر خطر حملات انتحاری و یا بمب‌گذاری‌ها آسیب‌پذیر می‌کند.

در طی ده‌ها سال جنگ، حملات انتحاری در بین افغان‌ها مرسوم نبود، اما این شیوه به شکل متداولی توسط نیروهای طالبان، داعش و یا دیگر گروه‌های نظامی در عملیات ترور و یا به عنوان ابزاری برای حمله به وسایل نقلیه نیروهای بین‌المللی در افغانستان

مورد استفاده قرار گرفت. درحالی که نظامیان در وسایل نقلیه ضد گلوله خود و در پوشش لباس‌های زرهی حفاظت می‌شوند، این کودکان هستند که بدون هیچ حفاظتی در معرض خطر قرار دارند.

گاه دیده‌شده که از کودکان به‌ویژه کودکان ربوده‌شده توسط گروه‌های مسلح به‌عنوان عاملان عملیات انتحاری استفاده گردیده است در همین رابطه می‌توان به ماجرای کودک شش‌ساله در استان غزنی اشاره کرد که افراد طالبان با بستن کمر بند انفجاری به او گفته بودند اگر دکمه آن را فشار بدهد همه‌جا پر از بوی عطر می‌شود. خوشبختانه این کودک به دلیل سردرگم شدن از انجام مأموریت خود بازماند، اما نمونه‌های از این دست کم نبوده‌اند.

تعدادی از کودکان افغانستان هم در بمباران مناطقی که طالبان در آن مستقر هستند جان خود را از دست می‌دهند. ISAF^۱ (نیروی بین‌المللی کمک به امنیت افغانستان)، طالبان را محکوم می‌کند که عملیات نظامی خود را بین شهروندان انجام می‌دهد و از مدارس و کودکان به‌عنوان سپر انسانی استفاده می‌کند. (همان: ۶۲)

کودکان به خصوص کودکانی که درگیر منازعات مسلحانه هستند، باید توسط تمام طرف‌های درگیر جنگ در مقابل آسیب و سوءاستفاده حمایت گردند. ضرورت حمایت از کودکان به‌طور روشن، در شریعت اسلامی، قوانین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بیان شده است. با توجه به وضعیت منازعه مسلحانه جاری در افغانستان، این جانب لازم دیدم برای حمایت از حقوق تمام کودکان درگیر منازعات مسلحانه در افغانستان مطالبی را در این زمینه ارائه نمایم، تا تلاش‌های طرف‌های درگیر جنگ برای حمایت و ارتقاء حقوق اطفال افغانستان، تقویت گردد و نیز کمکی باشد برای آگاهی‌دهی در رابطه به حقوق کودکان درگیر در منازعات مسلحانه در افغانستان، ترویجی باشد در مسئولیت‌پذیری تمام طرف‌های جنگ در مطابقت با معیارهای بین‌المللی حمایت از کودکان و اصول شریعت اسلامی و در نهایت کمکی باشد در جلوگیری از تخطی‌های صریح علیه حقوق کودکان. قانون اساسی افغانستان در ماده ۲۳ بیان می‌دارد: «زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانون از این حق محروم نمی‌گردد».

۱ . International Security Assistance Force

ب) حمایت از اطفال در مخاصمات مسلحانه در کد جزای افغانستان

کد جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۵ در ماده ۶۰۵ بیان می‌دارد:

شخصی که طفل را در خدمات نظامی جذب و یا در کارهای خدماتی جزو تام‌های نظامی از آن‌ها استفاده نماید مرتکب جرم گردیده مطابق این فصل، مجازات می‌گردد.

همچنین در ماده ۶۰۶ قانون مذکور بیان می‌دارد: «هرگاه مسئول قطعه نظامی، طفل را در قطعه نظامی استخدام نماید، به حبس قصیر^۱ محکوم می‌گردد».

و نیز در بند ۲۶ قسمت (۱) ماده ۳۳۹ کد جزا مقرر می‌دارد:

استخدام اجباری یا داو طلبانه اطفال زیر ۱۵ سال، در نیروهای مسلح یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در مخاصمات.

که مجازات آن در بند ۳، قست (۲) همان ماده، چنین بیان شده است:

در صورت ارتکاب یکی از جرایم مندرج اجزای ۲۱ تا ۲۶، به حبس طویل بیش از ده سال.

ج) حمایت از اطفال در مخاصمات مسلحانه در قانون حمایت حقوق طفل مصوب ۱۳۹۷

ماده ۷۶ این قانون مقرر می‌دارد:

(۱) وزارت‌ها و ادارات دولتی ذیربط مکلف‌اند، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به خصوص پروتکل‌های الحاقی بر کنوانسیون‌های ژنیو را در رابطه با اطفال در منازعات مسلحانه رعایت نمایند.

(۲) وزارت‌ها و ادارات دولتی ذیربط مکلف‌اند، طبق احکام قانون از استفاده، جلب، جذب و استخدامی اشخاصی که سن ۱۸ را تکمیل نکرده‌اند، در قطعات نظامی و اشتراک در منازعات مسلحانه جلوگیری نمایند.

(۳) وزارت‌ها و ادارات دولتی مکلف‌اند، به منظور تأمین محافظت اطفال که از اثر منازعات مسلحانه متأثر می‌گردند اقدامات لازم را اتخاذ و عملی نمایند.

(۴) سایر امور مربوط به اطفال در منازعات مسلحانه طبق سند تقنینی مربوط تنظیم می‌گردد.

۱. مدت حبس قصیر طبق بند ۱، ماده ۱۴۷ کد جزای افغانستان از سه ماه تا یک سال است.

طبق بندهای چهارگانه این ماده وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی که به نوعی به امور اطفال سروکار دارند، موظف هستند که حقوق بشر دوستانه را درباره اطفال در زمان جنگ رعایت کنند، چون افغانستان به اسناد بین‌المللی از جمله اسناد بین‌المللی کودکان ملحق شده است و آن را پذیرفته است.

همچنین وزارتخانه‌ها و ادارات مربوطه از جلب و جذب و به کارگیری اطفال زیر ۱۸ سال در گروه‌های نظامی و به ویژه شرکت دادن اطفال در جنگ‌ها منع شده‌اند و موظف هستند که از اطفال در برابر منازعات مسلحانه حمایت و حفاظت کنند و نیز همه کارهای لازم را در مراقبت از کودکانی که از مناقشات مسلحانه آسیب می‌بینند، به عمل آورند. همچنین دولت‌ها متعهدند در بازپروری سریع اطفال قربانی، از جمله قربانیان مخاصمات مسلحانه، تسریع نمایند.

بنابراین «قانون اساسی افغانستان»، به عنوان قانون منبع برای تمام قوانین ملی در مورد حق حیات به عنوان موهبت الهی و حق طبیعی تمام انسان‌ها به شمول مردان، زنان و اطفال به صورت واضح تأکید نموده است. همچنین کد جزا برای کسانی که جان اطفال را در معرض خطر قرار می‌دهند، به صورت روشن مجازات تعیین نموده است و سرانجام قانون حمایت حقوق طفل در موارد مختلف از حقوق اطفال حمایت نموده است.

نتیجه‌گیری

بدون تردید، یکی از موارد رعایت حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، رعایت حقوق اطفال در خلال مخاصمات مسلحانه و مصون ماندن آنان از خطرات و بلاهای ناشی از آن می‌باشد. اصلی که امروزه افکار عمومی آن را تصدیق نموده و برای آن ضمانت‌های اجرایی قائل می‌شود، اگر چه نقض حقوق غیر نظامیان به ویژه حقوق اطفال از چندین دهه قبل، یک جنایت بین‌المللی محسوب می‌گردید، اما در حال حاضر علاوه بر ممنوعیت قراردادی و عرفی این حملات و قابل تعقیب بودن عاملان آن بر پایه اسناد بین‌المللی موجود، محاکمی همچون دیوان کیفری بین‌المللی تأسیس گردیده‌اند تا بر اساس شمول صلاحیت خویش به این گونه جرایم رسیدگی نمایند. بازتاب حمایت از حقوق اطفال را می‌توان در تمامی مراحل مخاصمه و قبل و بعد آن در اسناد بین‌المللی ملاحظه نمود. مع الوصف، نقض قواعد مندرج در این اسناد، امروزه موجبات مسؤلیت کیفری مرتکبین را به عنوان مجرمان جنگی فراهم می‌آورد.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲)، *اسلام و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه*، ج ۱، تهران: نشر میزان.
 - دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
 - طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 - لطفی، عبدالرضا، نادر اخگری بناب و محمد رضا فقهی (۱۳۸۸)، *بررسی تحقیقی حقوقی بشر دوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی*، (اشخاص مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه)، ج ۱، ج ۱، تهران: هستی‌نما.
 - مصفا نسرین و همکاران (۱۳۸۳)، *کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران*، ج ۱، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
 - مصفا، نسرین (۱۳۹۱)، *میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشر دوستانه بین‌المللی*، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش.
- منابع عربی
- ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، ج ۱۵، بیروت: دار الفکر.
 - اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمه*، ترجمه علی بن حسین زواری، تبریز: مکتب بنی هاشمی.
 - بهائی‌العاملی (بی‌تا)، *جامع عباسی*، تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی.
 - حسینی شیرازی، سید محمد (۱۹۸۸م)، *الفقه*، ج ۲، بیروت: دارالعلوم.

- حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم‌الدین (۱۴۰۳ق)، *الکافی فی الفقه*، ج ۱، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- حلی، محقق (۱۴۰۸)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، مصحح عبدالحسین محمدعلی بقال، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *منهاج الصالحین*، ج ۲۸، قم: نشر مدینه العلم.
- سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۰۶ق)، *المبسوط*، بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، ابو جعفر (۱۳۶۵)، *تهذیب الأحکام*، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، ج ۱، قم: دارالحدیث.
- نجفی، محمد حسن (بی تا)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مغربی، نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵ق)، *دعائم الإسلام*، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- مروت، مجتبی (۱۳۸۵)، «حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، س ۸، ش ۱۸.

